

سوره تفاهم

نمایش در سه پرده

نویسنده:

آلبر کامو

مترجم:

جلال آل احمد

سرشناسه: کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م.

Camus, Albert

عنوان و نام پدیدآور: سوء تفاهم: نمایش در سه پرده / آلبر کامو؛ مترجم جلال آل احمد.

مشخصات نشر: تهران: پر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۸۴ ص: ۵/۱۴×۲۱/۵ س. م.

شابک: 978-622-6041-05-8

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: **Le malentendu, 1972**.

موضوع: نمایشنامه -- قرن ۲۰ م.

موضوع: **Drama -- 20th century**

شناسه افزوده: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸، مترجم

شناسه افزوده: **Al Ahmad, Jalal**

رده بندی دیویی: ۸۴۲/۹۱۴

رده بندی کنگره: PQ ۲۶۳۴ ۱۳۹۷ س ۸۳ الف /

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۰۸۲۶۳



سوء تفاهم



- نویسنده: آلبر کامو
- مترجم: جلال آل احمد
- صفحه آرای: منیر علیزاده
- چاپ اول: ۱۳۹۷
- تیراژ: ۱۱۰ نسخه
- قیمت: ۱۸,۵۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۶۰۴۱ - ۰۵ - ۸ - ISBN: 978-622-6041-05-8

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
 تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

www.ParNashr.ir

فهرست مطالب

سخن ناشر ۵

پرده‌ی اول

صحنه‌ی اول ۹

صحنه‌ی دوم ۱۴

صحنه‌ی سوم ۱۵

صحنه‌ی چهارم ۱۹

صحنه‌ی پنجم ۲۳

صحنه‌ی ششم ۳۰

صحنه‌ی هفتم ۳۵

صحنه‌ی هشتم ۳۶

۴ □ سویتفاهم (نمایش در سه پرده)

پرده‌ی دوم

- ۳۹ صحنه‌ی اول
- ۴۷ صحنه‌ی دوم
- ۴۸ صحنه‌ی سوم
- ۴۸ صحنه‌ی چهارم
- ۴۹ صحنه‌ی پنجم
- ۵۰ صحنه‌ی ششم
- ۵۵ صحنه‌ی هفتم
- ۵۶ صحنه‌ی هشتم

پرده‌ی سوم

- ۶۳ صحنه‌ی اول
- ۷۱ صحنه‌ی دوم
- ۷۳ صحنه‌ی سوم
- ۸۴ صحنه‌ی چهارم

سخن ناشر

سوء تفاهم نمایشنامه‌ای است که توسط **آلبر کامو** نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی نوشته شد. این اثر را کامو در سن ۲۸ سالگی و در آغاز جنگ جهانی دوم، زمانی که کشور فرانسه در اشغال آلمان نازی بود نوشت که در سال ۱۹۴۴ برای نخستین بار به روی صحنه رفت. سوء تفاهم ماجرای زندگی مردی به نام «ژان» است که بعد از بیست سال دوری از مادر و خواهر خود، در حالی که ازدواج کرده و سرمایه‌ای کسب کرده است به خانه باز می‌گردد تا مادر و خواهرش را نیز در خوشبختی خود سهیم کند. او بعد از ورود به مهمانخانه‌ای که مادر و خواهرش آن را اداره می‌کنند متوجه می‌شود که بعد از گذشت این همه سال، خانواده‌اش در لحظه ورود، او را نشناخته‌اند. همسرش از او می‌خواهد که به نزد آنها برود و خیلی راحت و ساده بگوید «من آمدم». ژان که در ابتدا همین تصمیم را داشته، بعد از برخورد سرد خانواده‌اش، از آن منصرف گشته و به زنش پاسخ می‌دهد: «بله همین تصمیم را داشتم، اما فکر من پر از تصورات خودم بود و به من که منتظر پذیرایی گرم و نرمی بودم، در مقابل پولم، فقط آبجو دادند. همین مطلب کلمات را از دهان من سترد و خیال کردم که باید همین جور ادامه بدهم و خود را معرفی نکنم.» اما این همین جور ادامه دادن او، فاجعه به بار می‌آورد...

۶ □ سوء تفاهم (نمایش در سه پرده)

سوء تفاهم از لحاظ ساختار بازگشتی است به تئاتر یونان: آن حالت خشک آدمک‌وار دو زن، زنجیره‌ی مرگبار جنایتی که جنایتی دیگر را به دنبال می‌آورد، قتل در درون خانواده، پیشرفت توقف‌ناپذیر و تعدیل‌ناپذیر قصد و نیت نخستین، و درون‌مایه‌ی بازشناسی.

این نمایشنامه کمابیش می‌تواند یادآور انسان‌هایی بیگانه باشد. تراژدی که بار دیگر با تصویر کشیدن مرگ ژان پسر خانواده، از دست دادن فرصت را یادآور ما می‌شود. هنگامی که او خود را به دست تصادف می‌سپارد و به نیروی وقایع ایمان دارد، می‌توان گفت او از شوخی و بازی خود را به کشتن می‌دهد. پس هرگز آدم نمی‌تواند همیشه بیگانه بماند و به یافتن معنایی برای خودش نیازمند است.

در سوء تفاهم صحنه‌ها بسیار زنده و برانگیزاننده است و استادی کامو در پرداختن آنها شایسته تحسین، ولی نه تنها صحنه‌پردازی استادانه است بلکه محتوای سوء تفاهم تنها یک داستان یا نمایشنامه ساده نیست، بلکه قصه‌ی زندگی همه انسان‌ها است، چرا که زندگانی همه‌ی ما مملو از سوء تفاهم است و برای همین است که خوانندگانی که این کتاب را خوانده‌اند، همه بر این عقیده هستند که باید این نمایشنامه را با تفکر و بینشی فراتر از یک داستان ساده خواند و در هر بار خواندن دنیای جدیدی از اندیشه‌ای آگاهانه نسبت به مسایل پیرامون کسب کرد.

کتاب انتشارات پر

نمایشنامه‌ی سو، تقاهم

برای اولین بار در سال ۱۹۴۴ در «تئاتر ماتورن‌ها» پاریس با
صحنه گردانی «مارسل هوران» به نمایش گذشته شد و نقش‌های
مختلف آن به عهده‌ی این اشخاص بود:

مارتا	ماریا کازارس.
ماریا	هلن ورکور.
مادر	ماری کارلف.
ژان	مارسل هرزان.
خدمتکار پیر	یل اوتلی.

پرده‌ی اول

ظهر، تالار عمومی مسافرخانه...
تالار تمیز و روشن است، همه
چیز پاک است.

صحنه‌ی اول

مادر برخواهد گشت.
مارتا به تو هم چه گفت؟
مادر بله.
مارتا بله.
مادر نمی‌دانم.
مارتا صورت ظاهرش به یک آدم فقیر نمی‌رفت.
مادر از قیمت کرایه ناراحت نشد.
مارتا خوبست؛ اما خیلی نادر است که یک آدم پولدار تنها باشد؛
و همین است که کارها را برای ما دشوار می‌کند. وقتی آدم
جز به کسانی که هم پولدار و هم تنها هستند علاقه به خرج
نمی‌دهد، مجبور است مدت درازی هم انتظار بکشد.
مادر بله. موقعیت مناسب نادر است.